

۳
افقریاض زیر تیغ
عربستان در حال فلج شدن است۳
جهانباروت اعتراضات
اعتراض دانش آموزان در بلژیک و ایتالیا۵
تماشامیانبر به آکادمی
فیلم مجیدی به اسکار رفت۷
کوچهمریم، تنها قربانی مهر نبود
درباره افزایش قتل زنان توسط مردان

مدافع همیشگی ایران

پرویز مجتهدزاده

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک درگذشت

۴
کافه

سرمقاله

زنگ خطر تندروی

از فحاشی به روحانی و ظریف تا سوء قصد به عباس آخوندی؛ نیازمند برخورد قاطع دولت با اقدامات خودسرانه است

سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران



یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های رئیس‌جمهور، شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و به‌طور کلی دولت، صیانت از امنیت کشور و جلوگیری از گسترش تندروی‌هاست. همه ما از تفاوت دیدگاه‌ها، مواضع، مشی، رویکردها و اقدامات رئیس‌جمهور با گروه‌های تندرو آگاه هستیم و در این زمینه، بحث و تردیدی وجود ندارد. از سویی دیگر متوجه هستیم که دولت در چه شرایط سختی، مسئولیت اداره کشور را برعهده دارد. اما من ضمن تقدیر و تشکر مجدد از جناب آقای پزشک‌یان و همکاران ایشان در دولت، می‌خواهم توجه آنان را به موضوعی مهم‌تر از مدیریت اقتصادی کشور جلب کنم و آن، حفظ امنیت کشور است.

در این کشور، در برخورد با مسائل مختلف ازجمله مسئله جاری که چگونگی پایان دادن به جنگ است، اختلاف‌نظرهایی میان صاحب‌نظران، مدیران پیشین و حتی در درون نیروهای مسلح وجود دارد. با این حال همگی بر این اصل اتفاق‌نظر داریم که آنچه در نهایت باید اتفاق بیفتد باید در راستای تأمین منافع ملت ایران باشد؛ به‌گونه‌ای که جمهوری اسلامی آسیب نبیند و نظام پابرجا بماند تا بتوان در سایه آن، مشکلات اساسی مردم و کشور را حل‌وفصل کرد.

بنابراین در اصل حفظ منافع ملی و ضرورت صیانت از کشور، توافق وجود دارد؛ اما درباره تاکتیک‌ها، روش‌ها و راه‌حلی که باید ما را به حل مشکلات جاری ازجمله پایان جنگ و ایجاد نقطه عطفی برای رفع مشکلات مردم برساند، اختلاف‌نظرهایی مطرح است. وجود این اختلاف‌نظرها نیز امری طبیعی است. مسئله اساسی این است که اگر قرار باشد هر فردی دیدگاه خود را، چه در قالب مقاله و یادداشت و چه از طریق مصاحبه، برنامه تلویزیونی یا محتوای تصویری، بیان کند و به‌محض آنکه نظرش مطابق میل عده‌ای نباشد، عده‌ای دست به اسلحه ببرند و به تهدید، خشونت یا حتی ترور متوسل شوند، کشور با خطرات جدی مواجه خواهد شد.

ترور نیز دو وجه دارد: یکی ترور شخصیت و دیگری ترور فیزیکی که ممکن است خدای‌ناکرده اتفاق بیفتد. آنچه برای آقای دکتر عباس آخوندی در کتابخانه ملی و در جریان جلسه بنیاد باران اتفاق افتاد یک هشدار بسیار جدی و مهم است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد. من می‌خواهم رئیس‌جمهور، وزیر محترم کشور، آقای رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و فرماندهان محترم ناجا و فراجا را متوجه اهمیت این هشدار کنم. جناب آقای پزشک‌یان باید حتماً توجه داشته باشند که دولت، وزارت کشور و نیروی انتظامی نباید اجازه دهند، کوچک‌ترین حادثه‌ای که امنیت کشور را مخدوش می‌کند، شکل بگیرد. این از جمله حوزه‌هایی است که دولت باید در آن با قاطعیت تمام عمل کند.

این وظیفه از تمام وظایفی که در حال حاضر بر عهده دولت است، مهم‌تر است چراکه چنین اتفاقاتی می‌تواند به تحقق خواسته‌های تنانیا‌هو و ترامپ برای ایجاد شکاف در صفوف ملت ایران کمک جدی کند و زمینه را برای حرکت‌های خودسرانه و کور که ممکن است کشور را با بحران امنیتی مواجه کنند، فراهم کند. از این رو پیش از آنکه خدای‌ناکرده کشور وارد مرحله‌ای نامناسب و خطرناک شود، ضروری است رئیس‌جمهور دستورات لازم را صادر کند، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مقتضی ابلاغ شوند و فرماندهان مسئول با قاطعیت با این اقدامات برخورد کنند.

| ادامه در صفحه ۲

سوء قصد در باران

منابع خبری از بازداشت فرد مسلحی خبر دادند که پس از نشست «بنیاد باران» قصد داشت **عباس آخوندی** را ترور کند. گفته می‌شود فرد بازداشت‌شده، ضمن اعتراف به عضویت در یک گروه، مدعی شده که نام برخی از چهره‌های مطرح کشور در لیست اهداف احتمالی ترور آنان قرار دارد. سازندگی به بررسی ابعاد این ماجرا و هشدار برخی فعالان سیاسی نسبت به افزایش خشونت در کشور پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی



روز گذشته، خبر سوء قصد به عباس آخوندی، وزیر پیشین راه و شهرسازی، درحالی منتشر شد که بنا بر روایت جبهه اصلاحات ایران، حادثه سه روز پیش و پس از پایان نشست تخصصی بنیاد باران در کتابخانه ملی تهران رخ داده بود. به گفته جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و مدیرعامل بنیاد باران، فرد مسلحی که مدتی آخوندی را زیر نظر داشته، هنگام خروج او از

محل نشست و پیش از آنکه سوار خودروی خود شود، وارد ماشین شده و راننده را تهدید کرده است. راننده از خودرو خارج می‌شود و در جریان درگیری با مهاجم،

موفق می‌شود سلاح را از دست او بگیرد. در ادامه، نیروهای حراست کتابخانه که به گفته امام از طریق دوربین‌های مدار بسته متوجه ماجرا شده بودند به محل می‌آیند و فرد

مظنون را بازداشت کرده و به نیروی انتظامی تحویل می‌دهند. با این حال، خبر زمانی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد که امام مدعی شد، فرد بازداشت شده از ارتباط با گروهی پنج یا شش نفره و قصد حذف شماری از چهره‌های مطرح کشور سخن گفته است. ادعایی که هنوز به‌طور مستقل تأیید نشده و در کنار نبود اطلاع‌رسانی رسمی درباره هویت و انگیزه فرد مظنون، پرسش‌های بیشتری درباره ابعاد حادثه، احتمال دخالت افراد دیگر و چرایی انتشار خبر با چند روز تأخیر ایجاد کرده است.

| ادامه در صفحه ۲



سال نهم شماره ۲۳۵۴
شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵



بررسی رویدادهای سیاسی

دیدگاه: یادداشت وارده

تاریخ علیه تحقیر

بازخوانی اظهارنظر تاریخی سعید لیلاز در صیانت از کرامت قوم لر



محمدجعفر ایرانی

حق‌و‌دان و عضو هیأت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی

اظهارات اخیر جناب آقای سعید لیلاز در اطلاق اوصافی نظیر «دائم‌الخمر» به سلسله زندیه و فروکاستن شخصیت کریم‌خان زند به تعبیر موهن «یک لُر ساده و بی‌سواد»، فراتر از یک لغزش، واجد آثار و ابعاد حقوقی، اخلاقی و جامعه‌شناختی عمیقی است. از منظر فلسفه حقوق و اصول بنیادین حقوق اساسی، «آزادی بیان» و تحلیل وقایع تاریخی، مطلق و رها از قید نیست؛ بلکه مرز ذاتی و مشروع آن در نقطه تلاقی با «حق بر کرامت انسانی»، منع توهین و تحقیر گروه‌های ایتیکی و پرهیز از ترویج کلیشه‌های تبعیض‌آمیز قومی ترسیم می‌شود. تسری صفات منفی و تحقیرآمیز به هویت یک قوم کهن، نقض آشکار اصل برابری، عدالت ترمیمی تاریخی و تکالیف ناشی از مسئولیت اجتماعی سخن است.

نخستین ایراد بنیادین، از منظر حقوقی و عدالت اجتماعی، به کارگیری دوگانه ناصواب «تحقیر قومی / برتری مرکز‌نشینی» است. استعمال گزاره «لُر ساده» در ادبیات یک صاحب‌تربون، متضمن دلالت التزامی بر نوعی بلاهت، فقدان خردورزی سیاسی و عقب‌ماندگی مدنی است. این شیوه بیان در حقوق بین‌الملل بشر و موازین مقابله با گفتمان نفرت‌پراکنی (Hate Speech) از مصادیق ترویج کلیشه‌های منفی ساختاری و نقض حق بر احترام و کرامت فرهنگی اقوام به‌شمار می‌رود. قوم لُر در قامت یکی از اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین تبارهای هویتی فلات ایران در تمامی مقاطع حساس تاریخی، سپر بلای مام میهن بوده است. فروکاستن این کارنامه سرشار از پایداری، غیرت، امانت‌داری و فتوت تاریخی به برجسب‌های سبکسارنه ژورنالیستی، تعرض آشکار به حیثیت معنوی جامعه‌ای است که وفاداری و فداکاری‌اش برای ایران تردیدناپذیر است.

از منظر حقوق عمومی و تئوری‌های دولت و حاکمیت نسبت دادن «بی‌سواد» به کریم‌خان با هدف سلب صلاحیت حکمرانی از او، مغالطه‌ای آشکار میان «سواد ظاهری کاتبان» و «اهلیت راهبردی زمامداری» است. کریم‌خان زند، واجد درکی متعالی از «حاکمیت قانون مبتنی بر رضایت عمومی» و «امانت‌داری در قدرت» بود. در دورانی که سنت حقوقی ایران بر مفهوم غلبه و استبداد شاه‌خداگونگی و مشروعیت فهری استوار بود، او آگاهانه از پذیرش عنوان قدسی و مطلقه «شاه» سر باز زد و عنوان حقوقی و مترقی «وکیل‌الرعا یا» را برگزید؛ مفهومی پیشرو که قرن‌ها پیش از تدوین اسناد مدرن حقوق عمومی، اصل تفویض قدرت و خدمت‌گزاری را مبنای عمل قرار داد. کارنامه عمرانی او نیز نشان‌دهنده خرد مهندسی و توان مدیریتی اوست.

در بعد اسناد تاریخی و ادله اثبات، اتهام شتاب‌زده «دائم‌الخمری» نیز از حیث موازین استناد و جرح شهود مخدوش است. در قواعد حقوقی و دادرسی عادلانه، انتساب وصفی که موجب زوال اراده و اهلیت عقلی و مدنی شخص تلقی شود، مستلزم بینه و شواهد قطعی است. در گزارش‌های تاریخی معتبر- از میرزا محمدصادق نامی تا مستشرقان بی‌طرفی چون کارستین نیبور- کریم‌خان نماد ریاست‌تیزی و اجتناب از تظاهر دینی تصویر شده است. نسبت دادن خصیصه «دائم‌الخمری» به پیشوای سیاسی سرزمینی آشوب‌زده که در یکی از پرتالطم‌ترین مقاطع تاریخ، امنیت قضایی و اقتصادی را برقرار ساخت، نظام اداری را تثبیت کرد، تجاوز به حقوق مالی و جانی کنش‌آوران و اصناف را کیفر داد و دادخواهی مظلومان را شخصاً استماع می‌کرد از حیث عقلانی و منطق تحلیلی، مردود است. فردی مسلوب‌الاراده و فاقد قوه تمیز قادر به استقرار چنین نظم مدنی و حقوقی دیرپایی در گستره جغرافیایی ایران نبود. حتی از حیث حقوق اقتصادی و تعهدات حمایتی حاکمیت، عملکرد کریم‌خان در تقلیل نظام مالیاتی ظالمانه به‌جا مانده از عهد نادری، تأمین امنیت شاهراه‌های تجاری، صیانت از حقوق مالکیت خصوصی و عقد قراردادهای نظام‌مند بازرگانی با کمپانی‌های خارجی، مصداق بارز حکمرانی خوب و تدبیر عدالت‌گستر در صیانت از معیشت عمومی به‌شمار می‌رود؛ دستاوردی که داوری‌های اقتصادی امروز نیز باید در برابر آن سر تسلیم فرود آورد.

حاصل سخن آنکه، داوری درباره پیشینه تاریخی و چهره‌های شاخص یک ملت نباید از مسیر عدل و انصاف خارج شده و به ابزاری برای ترویج ادبیات تحقیرآمیز قومی و بازتولید کلیشه‌های موهن تبدیل شود. کریم‌خان زند به‌عنوان فرزندی شایسته از تبار سلحشور و نجیب لُر با کارنامه‌ای درخشان در دادگری، مدارا، امانت‌داری سیاسی و مردم‌داری چهره‌ای ماندگار در تاریخ حقوق و سیاست ایران است. احترام به تاریخ و تبار این قوم شریف، تکلیفی حقوقی در راستای حفظ وفای ملی، صیانت از کرامت انسانی و پاسداری از سرمایه‌های نمادین این سرزمین است؛ سرمایه‌هایی که نباید در پای اظهارات شتاب‌زده و فاقد مبنا، قربانی شوند.

ادامه تیتربیک

سوءقصد در باران

روایت جبهه اصلاحات از احتمال وجود افراد دیگر

ماجرا به سه‌شنبه ۲۱ مهر ماه و پایان یکصد و چهل‌هفتمین نشست تخصصی بنیاد باران در مجموعه کتابخانه ملی تهران بازمی‌گردد؛ نشستی با عنوان «گذارهای جهانی، زنجیره ارزش و معماری توسعه ایران» که آخوندی سخنران اصلی آن بود. محمد طاهری، روزنامه‌نگار و سردبیر هفته‌نامه «تجارت فردا»، درباره جزئیات این واقعه در شبکه ایکس نوشت: «روایتی که من از ماجرای سوء قصد به دکتر آخوندی شنیدم این است که پس از پایان سخنرانی در مؤسسه باران، دکتر آخوندی قصد خروج از ساختمان را دارد اما یکی از حاضران با ایشان به گفت‌وگو می‌ایستد و صحبت‌شان حدود نیم ساعت طول می‌کشد. در این فاصله، فردی ناشناس به راننده نزدیک شد و پرسید چرا برای حرکت آماده نشده‌اند. راننده که تصور می‌کرد او از نیروهای حراست است، پاسخ داد که دکتر آخوندی به‌زودی خواهند آمد. فرد ناشناس سپس روی صندلی عقب خودرو نشست، اسلحه‌ای پشت سر راننده گرفت و از او خواست سکوت کند. در نهایت راننده وقتی دید فرد مسلح شروع به باز کردن چند پاکت روی صندلی عقب کرده از خودرو بیرون پرید. بعد درگیری رخ داد و راننده توانست، خشاب اسلحه را خارج کند. فرد مسلح در حال ترک محل بود که نیروهای حراست پس از مشاهده درگیری در تصاویر دوربین‌های مداربسته، او را بازداشت کردند».

به گفته جواد امام، فرد مظنون پیش از حادثه نیز در مکان‌هایی که آخوندی حضور داشته، ازجمله دانشگاه، دیده شده بود و یک روز پیش از نشست هم برای شناسایی محل به کتابخانه ملی رفته بود. امام همچنین توضیح داده که فرد بازداشت‌شده از ارتباط با گروهی پنج‌یا شش نفره سخن گفته که قصد حذف شماری از چهره‌های مطرح کشور را داشته‌اند. به گفته سخنگوی جبهه اصلاحات این فرد ادعا کرده که در صورت ناکامی او، افراد دیگری وارد عمل خواهند شد و این کار را انجام خواهند داد. امام همچنین از مطرح شدن نام چند شخصیت دیگر به‌عنوان اهداف احتمالی خبر داده است.

سخنگوی جبهه اصلاحات در ادامه اظهاراتش این حادثه را در بستر نگرانی‌های گسترده‌تر درباره فعالیت نیروهای خودسر قرار داد و گفت: «به‌نظر می‌رسد با توجه به رفتار نیروهای خودسر و اقداماتی که برخی از آنها تحت عنوان رفتارهای «آتش‌ب‌اختیار» انجام می‌دهند، اتفاقاتی که این روزها شاهد آن هستیم، نگران‌کننده است». او در همین زمینه به تجمع‌های مقابل دفتر محمدجواد ظریف و منزل حسن روحانی و همچنین شعارها، اتهامات و فحاشی‌ها علیه برخی چهره‌های سیاسی اشاره کرد و پرسید: «به‌نظر می‌رسد این افراد از جایی تقویت می‌شوند؛ وگرنه برخورد با چنین رفتارهایی از وظایف و مأموریت‌های دستگاه‌های امنیتی است».

مدیرعامل بنیاد باران در ادامه با انتقاد از عدم برخورد با این رفتارها، گفت: «با توجه به اینکه دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم، حتی نسبت به برخی رفتارهای جریان‌های سیاسی واکنش نشان می‌دهد، جای تعجب دارد که چرا در برابر این بی‌قانونی‌های آشکار، برخوردی صورت نمی‌گیرد؟!»

ادامه سرمقاله

زنگ خطر تندروی

چه معنایی دارد که عده‌ای مقابل منزل آقای حسن روحانی تجمع و فحاشی کنند، گروهی دیگر به دفتر آقای محمدجواد ظریف بروند و او را مورد توهین قرار دهند و افرادی نیز آقای آخوندی را به ترور تهدید کنند؟ اینها نشانه‌های خطرناکی هستند که نباید از کنار آنها به‌سادگی عبور کرد. ما اختلاف‌نظر داریم و این اختلاف‌نظرها در نهایت باید از مسیرهای قانونی و از طریق تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی و رهبری معظم تعیین تکلیف شوند. هیچ فرد یا گروهی هم حق ندارد امنیت کشور را تحت تأثیر دیدگاه‌ها و برداشت‌های شخصی خود، چه درست و چه نادرست، قرار دهد. رئیس‌جمهور نیز باید توجه داشته باشند که حفظ امنیت کشور در رأس همه

او هشدار داد که ادامه چنین وضعیتی می‌تواند به ایجاد هرج‌ومرج و آشوب منجر شود و افزود که پیامدهای آن متوجه دولت، نظام، دستگاه‌های امنیتی و انتظامی خواهد شد و آرامش مردم را مختل خواهد کرد. امام در پایان خواستار انجام وظایف قانونی دستگاه‌های مسئول و ارائه گزارشی دقیق درباره این حادثه شد.

«وقت اضافه» از نگاه آخوندی

برای آخوندی اما این حادثه یادآور تجربه‌ای قدیمی‌تر بوده است؛ وزیر پیشین راه و شهرسازی پس از انتشار خبر این حادثه، در کانال تلگرامی خود نوشت که پنجم مهر ماه ۱۳۶۰ نیز حوالی ساعت پنج بعدازظهر، هدف سوء قصد سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته و پنج گلوله با فاصله‌ای چندساعتی‌تری از پشت سرش عبور کرده‌اند. او در این باره نوشت: «خداوند ۴۵ سال به



من فرصت داد تا زندگی با معنی‌ای داشته باشم. هر چند آدمی اغلب قدر عمر را نمی‌داند. به هر روی، داوری نهایی می‌ماند به روز واپسین در بارگاه الهی که به رحمت بی‌کران او امیدواریم». آخوندی در ادامه درباره حادثه اخیر نیز نوشت که در ۲۱ مهر ۱۴۰۵ هدف گروهی قرار گرفته که افکارشان هنوز برای او شناخته‌شده نیست؛ اما این بار هم پیش از اجرای عملیات توطئه خنثی شده است. او در پایان تأکید کرد: «یک‌بار دیگر خداوند به من فرصت زندگی داد تا ببینم در این وقت اضافه برای ایران چه می‌کنیم و چه توشه‌ای برای آخرت برمی‌داریم».

اعتراض بنیاد باران به سه روز بی‌خبری

بنیاد باران در واکنش به این واقعه در بیانیه‌ای با اشاره به گذشت سه روز از حادثه از نبود اطلاع‌رسانی روشن از سوی دستگاه‌های مسئول انتقاد کرد. این بنیاد اعلام کرد که فرد مسلح در ورودی غربی پارکینگ کتابخانه ملی بازداشت شده و بنا بر اطلاعات اولیه، احتمال می‌رود، قصد تعرض به جان آخوندی را داشته است. بنیاد باران در عین حمایت از وزیر پیشین راه و شهرسازی، تأکید کرد که ابعاد و ماهیت حادثه باید بر پایه تحقیقات رسمی و مستند روشن شود.

در این بیانیه، پرسش‌هایی درباره چگونگی دسترسی فرد بازداشت‌شده به سلاح، مسیر ورود او به محل برگزاری نشست، تناسب تدابیر حفاظتی و اقداماتی که پس از بازداشت انجام شده، مطرح شده است. بنیاد باران مسئولیت پاسخگویی را متوجه نهادهای ذیربط ازجمله وزارت کشور، فرماندهی انتظامی و مسئولان تأمین امنیت استان تهران دانست و

مسئولیت‌های خطیر دولت قرار دارد.

در همین چارچوب، لازم است به تجمعات شبانه و رفتارهای تندروانه‌ای نیز اشاره کنم که در جریان آنها، شعارها و اظهاراتی علیه آقایان خاتمی، روحانی، ظریف و دیگر اصلاح‌طلبان و چهره‌های سیاسی مطرح می‌شود. چنین رفتارهایی را نمی‌توان صرفاً آبراز مخالفت سیاسی دانست، چرا که این توهین‌ها و تخریب و تهدید اشخاص، بخشی از همان روند ترور شخصیت است که می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات خطرناک‌تر شود.

خود آقای رئیس‌جمهور در جلسه‌ای با بعضی از دوستان از طرفداران توافق و طرفداران قرارداد اسلام‌آباد، انتقاد کرده و پرسیده بودند که چرا این گروه ساکتند و مواضع خود را بیان نمی‌کنند. وقتی رئیس‌جمهور چنین انتظاری دارند، دولت و وزارت کشور نباید اجازه دهند که هر پرسش یا اظهارنظر مغایر با خواسته‌های جمعی از دوستان دلسوز ام‌کم‌توجه ما در جبهه

خواستار انتشار نتایج بررسی‌ها شد.

بنیاد باران همچنین تأکید کرد که وقوع یک رخداد مسلحانه در محدوده کتابخانه مل، به‌عنوان یکی از مجموعه‌های مهم فرهنگی کشور، نیازمند توضیح رسمی است. این بنیاد همچنین یادآور شد که طرح پرسش درباره عملکرد نهادهای مسئول به‌معنای پیش‌داوری درباره قصور یا مسئولیت اشخاص و سازمان‌ها نیست بلکه بخشی از ضرورت پاسخگویی عمومی است. به این ترتیب انتشار دیر هنگام خبر خود به یکی از محورهای اصلی واکنش‌ها تبدیل شد؛ هرچند هنوز روشن نیست در فاصله وقوع حادثه تا انتشار عمومی آن، چه اقداماتی در روند رسیدگی انجام شده است.

احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی نیز در واکنش به این ماجرا با یادآوری خطر تهدیدهای علنی علیه منتقدان و مخالفان نسبت به پیامدهای بی‌توجهی نهادهای

مسئول هشدار داد. او نوشت: «ماجرایی که برای دکتر عباس آخوندی پیش آمده بی‌نهایت مهم و خطرناک است. من مدت‌هاست درباره ظهور باندهای متمایل به ترور و حذف فیزیکی شهروندان منتقد یا مخالف توسط شماری از فوق‌افراطی‌های مدعی دفاع از انقلاب و نظام و ارزش‌ها هشدار می‌دهم! کسی که با سخن، تهدید به خشونت و تروری می‌کند فقط در مرحله لفاظی باقی نمی‌ماند و سرانجام برنامه‌ای عملی هم برای تهدیدهای خود تدارک می‌بیند! اینکه دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی در برابر تهدید علنی به خشونت و حذف فیزیکی شهروندان منتقد یا مخالف برخی

از رویه‌ها و سیاست‌ها، خونسرد و بی‌اعتبا برخورد می‌کنند، واقعاً باعث حیرت و نگرانی است». زیدآبادی در ادامه با تأکید بر اینکه تهدیدهای لفظی ممکن است به اقدام عملی منجر شوند، برخورد نکردن با تهدیدکنندگان را نگران‌کننده دانست و هشدار داد: «اگر با تهدید تهدیدگران برخورد قانونی سریع نشود، ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای به‌صورتی بسیار وسیع‌تر و دهشتناک‌تر تکرار خواهد شد».

در مقابل، خبرگزاری فارس به نقل از یک منبع آگاه امنیتی گزارش داد که بررسی‌ها درباره این حادثه ادامه دارد و تاکنون قرائتی مبنی بر سازمان‌یافته یا تروریستی بودن آن به‌دست نیامده است. به گفته این منبع، احتمال وجود انگیزه شخصی نیز در دست بررسی قرار دارد. روایتی که با اظهارات جواد امام درباره ارتباط فرد بازداشت‌شده با گروهی چندنفره تفاوت دارد.

با این حال، روشن شدن ابعاد و جزئیات حادثه تنها بخشی از ماجراست. اینکه فرد بازداشت‌شده با چه انگیزه‌ای به محل آمده، چگونه به سلاح دسترسی پیدا کرده، آیا افراد دیگری در این اقدام نقش داشته‌اند و چرا خبر حادثه با چند روز تأخیر منتشر شده، پرسش‌هایی است که نهادهای مسئول باید به آنها پاسخ دهند. اما در کنار این بررسی‌ها، ضرورت مقابله جدی با تندروی و رفتارهای تهدیدآمیز در فضای سیاسی نیز نباید نادیده گرفته شود. بی‌توجهی به تهدیدها و عادی شدن خشونت می‌تواند زمینه‌ساز تکرار چنین حوادثی باشد. مقابله با این روند نیز با اجرای بی‌طرفانه قانون، برخورد به‌موقع با رفتارهای خشونت‌آمیز و تهدیدهای سیاسی و تضمین امنیت همه شهروندان، فارغ از گرایش سیاسی‌شان، امکان‌پذیر است.

پایداری، بهانه‌ای برای تهدید و ارعاب افراد شود. اختلاف‌نظر سیاسی به‌خودی‌خود نه جرم است و نه دلیلی برای ترور یا تهدید افراد به اینکه از استخر سر درخواهند آورد، آن‌طور که درباره آقای روحانی مطرح شده بود. حضور مقابل دفتر شخصیت‌های سیاسی، فحاشی و اقداماتی مانند آتش زدن در دفتر آنان نیز رفتارهایی نیست که بتوان در برابرشان سکوت کرد یا آنها را در چارچوب اختلاف‌نظرهای معمول سیاسی توجیه کرد. مجموع این اتفاقات، هشدارهایی جدی است که به‌نظر می‌رسد، وزیر محترم کشور و مسئولان فراجا آن‌چنان که باید متوجه ابعاد خطرناک این تهدیدها و پیامدهای احتمالی آن برای امنیت کشور نیستند. از این منظر انتظار می‌رود، وزیر محترم کشور و فرماندهان فراجا با درک اهمیت و ابعاد این مسئله، خطر ناشی از چنین تهدیدهایی را جدی بگیرند و برای جلوگیری از تکرار این حوادث، اقدامات مؤثر و بازدارنده‌ای را در دستور کار قرار دهند.



سال نهم شماره ۲۳۵۴
شنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۵

بررسی تحولات جهان

افق

باروت اعتراضات

دانش‌آموزان ایتالیا و بلژیک هم به خیابان آمدند



گزارش‌هایی از بزرگ‌زاری آنها در رم، میلان، تورین، جنوا، کالیاری و دیگر شهرهای ایتالیا منتشر شد. دانش‌آموزان نگرانی‌های خود را درباره بودجه آموزش و پرورش، فرسودگی ساختمان‌های مدارس، افزایش هزینه‌های زندگی و محدودیت‌های پیشنهادی برای تعداد دانش‌آموزان خارجی در هر کلاس مطرح کردند.

بحران آموزش یا آغاز اعتراض بزرگ‌تر؟

اهمیت سیاسی این موج در آن است که مطالبات دانش‌آموزان ممکن است به مسائل گسترده‌تری گره بخورد. افزایش هزینه‌های زندگی، نگرانی درباره آینده شغلی و نابرابری اجتماعی، زمینه‌ای فراهم کرده که مشکلات مدرسه دیگر صرفاً مسئله‌ای مربوط به وزارتخانه‌های آموزش نباشد. شرایط داخلی، خواسته‌ها و شدت ناآرامی‌ها در هر کشور متفاوت است اما اگر این اعتراضات نادیده گرفته شوند این خطر وجود دارد که اعتراضات از کلاس‌های درس به یکی از کانون‌های مهم تنش اجتماعی در اروپا تبدیل شود.

اروپا

عصبانیت ترامپ از اقدام زنسکی

جنگ زیرساختی آغاز شد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی نیوزمکس که روز پنج‌شنبه پخش شد، از سرگیری حملات اوکراین به پالایشگاه‌های نفت روسیه را «مایه تنگ» توصیف کرد که باعث افزایش قیمت جهانی انرژی می‌شود. اوکراین پس از آنکه ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، اعلام کرد که کیف از آتش‌بس اعلام‌شده توسط ترامپ در مورد تأسیسات انرژی عقب‌نشینی می‌کند و از تمایل ترامپ برای معامله با مسکو انتقاد کرد به یک پالایشگاه نفت روسیه حمله کرد. ترامپ در این مصاحبه پس از حمله به پالایشگاه روس نفت در جنوب‌شرقی مسکو توسط اوکراین که به تأمین انرژی پایتخت روسیه کمک می‌کند، گفت: «تمام کاری که او انجام می‌دهد، افزایش قیمت جهانی نفت است. خب، من فکر می‌کنم این شرم‌آور است». ترامپ افزود: «اهداف زیادی وجود دارد که می‌توانید آنها را هدف قرار دهید اما وقتی به پالایشگاه‌هایی که سوخت گازوتیل در آنها تولید می‌شود شلیک می‌کنید، جایی که ما و جهان به آن نیاز داریم این کار به جهان خدمت خوبی نمی‌کند». این درحالی است که روسیه موجی از موشک‌ها و پهپادها را به سمت اوکراین شلیک کرد و تأسیسات انرژی مانند نیروگاه‌ها را هدف قرار داد و باعث قطع برق صدها هزار نفر از ساکنان شد. زلنسکی به فایننشال‌تایمز گفت که صبر کشورش تمام شده است. دولت ترامپ در تلاش است تا برای پایان دادن به جنگی که با تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ آغاز شد به توافق آتش‌بس دست یابد. ترامپ در مورد رؤسای جمهور اوکراین و روسیه گفت: «من طرفدار زلنسکی نیستم... فکر می‌کنم هر دوی آنها می‌خواهند به درگیری پایان دهند اما من کنار آمدن با زلنسکی را دشوارتر از کنار آمدن با پوتین می‌دانم». ترامپ با بیان اینکه زلنسکی گزینه خوبی برای تعامل و مذاکره با ما نیست، افزود: او نمی‌خواهد به توافق برسد. می‌گوید که خواهان توافق است اما در واقع چنین چیزی نمی‌خواهد. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین پیش‌تر در مصاحبه‌ای اعلام کرد: من احساس می‌کنم از تعاملات اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده با روسیه خیانت دیده‌ام.



آتش‌سوزی و خسارت به اموال حکایت داشت. ایستگاه اصلی قطار شهر نیز برای مدتی تعطیل شد. در بروکسل هم اعتراض دانشجویان در کنار اعتصاب اتحادیه‌های کارگری علیه کاهش بودجه و سیاست‌های ریاضتی دولت، نشان داد که مطالبات آموزشی می‌تواند با نارضایتی گسترده‌تر اجتماعی پیوند بخورد.

سرایت به ایتالیا

اکنون ایتالیا هم به این موج پیوسته است. تجمع اعتراضی در فلورانس از میدان سن‌مارکو آغاز شد؛ جایی که دانش‌آموزان دست‌کم ۱۵ دبیرستان با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعارهای «اینجا هیچ‌کس خارجی نیست» و «مدرسه از آن ماست» به خیابان‌ها آمدند. پرچم‌های فلسطین نیز در میان جمعیت دیده می‌شد و معترضان شعارهایی از جمله «ما همه ضد فاشیسم هستیم» و شعارهایی علیه جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا، سر می‌دادند. این اعتراضات بخشی از موج گسترده‌تر اعتراضات سراسری بود که

تهدیدهای نظامی خارجی تضمین کند و در مقابل از عرضه مطمئن نفت عربستان با قیمت‌های معقول بهرمند شود.

اکنون جنگ علیه ایران و ازسرگیری حملات حوثی‌ها، این توازن را برهم زده است. هم‌زمان با افزایش حملات ایران به کشتیرانی نزدیک تنگه هرمز، حوثی‌ها نیز حملات خود به زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی عربستان را از سر گرفته‌اند. این هم‌زمانی، فشار بر امنیت منطقه‌ای و توان آمریکا برای محافظت از متحدانش را افزایش می‌دهد. در چنین فضایی پیشنهادی اخیراً از سوی عباس عراقچی برای میانجی‌گری بین صنعا و ریاض مطرح شد که به‌نظر می‌رسد با موافقت طرف‌ها مواجه نشده است. زمان‌بندی حملات نیز برای ریاض پرهزینه بوده است. عربستان میزانی کنفرانس جهانی نفت را آغاز کرده بود اما برخی هیأت‌ها از حضور در این نشست انصراف دادند یا به شکل مجازی شرکت کردند. برخی دیگر از کشورهای همسایه مسیر بیابانی را با خودرو پیومند تا خود را به محل برگزاری برسانند. این صحنه‌ها تصویری متفاوت از کشوری ارائه می‌کند که می‌خواهد مرکز امن انرژی و سرمایه‌گذاری جهان باشد.

پاتریوت‌های رو به اتمام

ریاض در برابر این تهدیدها به‌دنبال حمایت متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی خود رفته اما تاکنون دستاورد چندانی نداشته است. عربستان خواهان حملات مستقیم آمریکا علیه حوثی‌ها، تقویت پدافند هوایی، افزایش تبادل اطلاعات و حمایت سیاسی برای تشدید عملیات نظامی در یمن است. با این حال، دفاع از کشوری با وسعتی بیش از پنج برابر ایالت کالیفرنیا، آن هم در برابر حملات موشکی و پهپادی از چند جبهه، مأموریتی دشوار است. گزارش‌ها حاکی است حدود ۸۶ درصد از موشک‌های سامانه پاتریوت عربستان مصرف شده‌اند. در همین حال یکی از اعضای دفتر سیاسی انصارالله گفته است، تسلیحات هوشمند و تأثیرگذار این جنبش هنوز وارد میدان نبرد نشده‌اند! شورای امنیت سازمان ملل نیز با ابراز نگرانی از تشدید تنش‌ها از انصارالله خواسته است از اقدامات تشش‌زا خودداری کند و مسیر گفت‌وگو را برای کاهش اختلافات در پیش بگیرد.

بن‌بست بدون راه‌حل آسان

عربستان اکنون میان دو مسیر دشوار قرار گرفته است: ادامه تلاش‌های دیپلماتیک، بدون تضمینی برای توقف حملات یا تشدید رویارویی نظامی با خطر گسترش جنگ و فرسایش بیشتر منابع دفاعی. به‌نظر می‌رسد مقام‌های سعودی، امید چندانی به یافتن راهی عملی برای برقراری صلح با حوثی‌ها ندارند و سرنوشت این درگیری را تا اندازه زیادی به نتیجه جنگ ایران گره زده‌اند. با این همه حتی مداخله گسترده‌تر آمریکا نیز تضمینی برای بازگشت امنیت نخواهد بود. چتر دفاعی واشنگتن رخنه‌پذیر نشان داده و منابع نظامی این کشور نیز نامحدود نیست. برای محمد بن‌سلمان، مسئله فقط مهار حملات یمن نیست؛ آینده چشم‌انداز اقتصادی او به توانایی عربستان در اثبات امنیت و ثباتش وابسته است. کشوری که می‌خواهد مرکز سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی شود نمی‌تواند برای مدت طولانی زیر سایه موشک‌ها و پهپادها باقی بماند. جنگ اکنون نه‌فقط زیرساخت‌های عربستان بلکه اعتبار وعده امنیتی و اقتصادی ولیعهد سعودی را نیز هدف گرفته است.

افق

رقمی که دانش‌آموزان، دانشجویان و بخشی از نیروهای اتحادیه‌ای را دربر می‌گرفت. در برخی مناطق، تجمع‌ها به درگیری با پلیس انجامید و استفاده نیروهای امنیتی از ابزارهای کنترل جمعیت، انتقادهایی را برانگیخت. گزارش‌ها همچنین از هزاران بازداشت، عمدتاً نوجوانان، حکایت دارند. دولت فرانسه کوشیده است با وعده تأمین سه هزار معلم جایگزین، بخشی از اعتراض‌ها را مهار کند؛ اما اتحادیه‌های آموزشی این اقدام را راه‌حلی موقت می‌دانند و معتقدند، کمبود نیرو و مشکلات ساختاری مدارس با چنین وعده‌هایی برطرف نخواهد شد.

در همین حال سیاستین لکورنو، نخست‌وزیر فرانسه، نسبت به تبدیل اعتراض‌ها به موجی از خشونت شهری هشدار داده است.

بلژیک؛ نارضایتی از هزینه‌های آموزش

چند هفته پس از آغاز اعتراض‌ها در فرانسه، موج نارضایتی به بلژیک هم رسید؛ جایی که دانش‌آموزان و دانشجویان با مطالباتی مشابه، اما با تأکید بیشتر بر هزینه‌های تحصیل، به خیابان آمدند. در شهر لیژ، صدها دانش‌آموز در اوایل اکتبر تجمع کردند و نسبت به افزایش هزینه‌های آموزشی، ازدحام کلاس‌ها و دشواری دسترسی به منابع درسی اعتراض کردند. افزایش شهریه در جامعه فرانسوی‌زبان بلژیک نیز به یکی از محورهای اصلی نارضایتی تبدیل شده است؛ شهریه‌ای که طبق گزارش رویترز برای بسیاری از دانشجویان از ۸۳۵ یورو به ۱۱۹۴ یورو افزایش یافته است. در جریان ناآرامی‌های لیژ، گزارش‌ها از بازداشت ۱۰۷ نفر،

گروه بین‌الملل: اعتراضاتی که از محوطه مدارس حومه پاریس آغاز شد اکنون از مرزهای فرانسه عبور کرده و به بلژیک و ایتالیا رسیده است؛ موجی که در ظاهر از کمبود معلم، کلاس‌های شلوغ و فرسودگی مدارس آغاز شده اما در لایه‌های عمیق‌تر، نارضایتی نسلی را آشکار می‌کند که آینده خود را زیر سایه کاهش خدمات عمومی، افزایش هزینه‌های زندگی و محدود شدن فرصت‌های آموزشی می‌بیند.

جرقه اعتراضات

نقطه آغاز این موج به اواسط سپتامبر ۲۰۲۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که دانش‌آموزان در حومه پاریس در اعتراض به وضعیت نامناسب مدارس و کمبود نیروی آموزشی، ورودی مراکز آموزشی را مسدود کردند. اعتراض‌ها به‌سرعت به شهرهای دیگر فرانسه گسترش یافت و پاریس، لیون، مارسسی و دیگر مناطق را دربر گرفت. خواسته معترضان تنها به افزایش شمار معلمان محدود نیست. کلاس‌های پرتراکم، ساختمان‌های فرسوده، تجهیزات ناکافی، غیبت معلمان بدون جایگزین و ساعات طولانی تحصیل ازجمله مشکلاتی هستند که دانش‌آموزان نسبت به آنها اعتراض دارند. بخشی از این نارضایتی نیز به نگرانی درباره نابرابری در دسترسی به دانشگاه و فرصت‌های تحصیلی بازمی‌گردد. ابعاد اعتراض‌ها به‌تدریج از یک مطالبه صنفی فراتر رفته است. براساس گزارش‌های منتشرشده در ۱۲ اکتبر، بیش از ۱۶۰ هزار نفر در سومین هفته اعتراض‌ها در فرانسه به خیابان‌ها آمدند؛

خاورمیانه

ریاض زیر تیغ

حملات حوثی‌ها به عربستان این کشور را دچار بحران سیاسی کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

عربستان سعودی روزهایی را سپری می‌کند که با تصویر پرزرق‌وبرق این کشور در سال‌های اخیر فاصله زیادی دارد. تا همین چندین پیش، تیتربخبرها درباره ریاض عمدتاً به ابرپروژه‌های اقتصادی، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و تلاش محمد بن‌سلمان برای تبدیل پادشاهی به قطب کسب‌وکار و سرگرمی منطقه اختصاص داشت. اکنون اما انفجارها، لغو پروازها، اختلال در فعالیت‌های نفتی و نگرانی سرمایه‌گذاران، جای آن تصویر را گرفته‌اند. بازگشت حوثی‌های یمن به صحنه جنگ، عربستان را با فشاری روبه‌رو کرده که از زمان قدرت‌گیری ولیعهد سعودی سابقه نداشته است.

روزنامه لس‌آنجلس‌تایمز در گزارشی با اشاره به فاصله میان بلندپروازی‌های ریاض و شرایط کنونی، تأکید می‌کند که تحولات اخیر برخلاف مسیری پیش می‌روند که رهبران عربستان برای آینده کشور ترسیم کرده بودند. مسئله فقط حمله به چند تأسیسات یا توقف موقت فعالیت‌های اقتصادی نیست؛ موضوع اصلی این است که آیا عربستان می‌تواند در میانه جنگی منطقه‌ای، امنیت زیرساخت‌ها و اعتماد سرمایه‌گذاران را حفظ کند؟

آرامکو در خط آتش

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر شرایط آسیب‌پذیری بخش نفتی عربستان است؛ بخشی که ستون اصلی اقتصاد این کشور و یکی از پایه‌های نفوذ جهانی آن به‌شمار می‌رود. حملات به تأسیسات نفتی و ساختمان‌های شرکت آرامکو، فعالیت‌های این مجموعه را تحت‌تأثیر قرار داده و کارکنان آن را به دورکاری واداشته است. بخشی از فعالیت‌ها نیز به دفاتر دیگر منتقل شده‌اند. آمارهای تولید نفت، ابعاد اقتصادی بحران را روشن‌تر می‌کنند. براساس گزارش رویترز در ۱۵ اکتبر، تولید روزانه نفت عربستان در ماه‌های نخست جنگ از بیش از ۱۰ میلیون بشکه به کمتر از ۷ میلیون بشکه کاهش یافته بود. این رقم در ماه سپتامبر به حدود ۸ میلیون بشکه رسید؛ نشانه‌ای از بهبود نسبی تولید اما نه پایان آسیب‌پذیری صنعت نفت این کشور. این وضعیت نشان می‌دهد که حتی توان مالی و ظرفیت فنی عربستان نیز نمی‌تواند به‌تنهایی پیامدهای جنگ را خنثی کند.

فرودگاه‌ها و شهرهای نگران

دامنه تهدید به صنعت نفت محدود نمانده است. حملات موشکی و پهپادی به فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض، نگرانی‌ها درباره امنیت پروازها و زیرساخت‌های غیرنظامی را افزایش داده است. رویترز



صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان برگزار می‌شود؛ نهادهی که در تأمین مالی برنامه‌های بلندپروازانه اقتصادی کشور نقشی محوری دارد. نگرانی بزرگ‌تر، رویداد اقتصادی پایان اکتبر است. عربستان قرار است، کنفرانسن «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده» را برگزار کند؛ گردهمایی مشهوری که به «داووس در صحرأ» معروف شده است. ازجمله چهره‌های برجسته‌ای که برای حضور در این رویداد در نظر گرفته شده‌اند، جیمی دایمن، مدیرعامل جی‌بی مورگان چیس و دیوید سالومون، مدیرعامل گلدمن ساکس هستند. اگر تهدیدهای امنیتی مشارکت شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد، پیامدهای آن از یک رویداد لغو شده یا کم‌رونق فراتر خواهد رفت.

پایان معادله قدیمی واشنگتن و ریاض؟

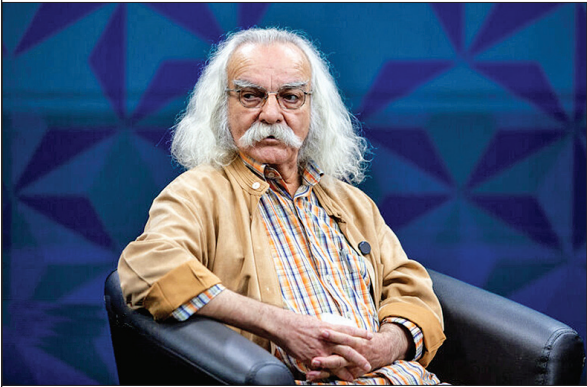
بحران کنونی، رابطه امنیتی چنددههای عربستان و آمریکا را نیز در معرض آزمونی دشوار قرار داده است. از سال ۱۹۴۵ این رابطه بر مبادله‌ای راهبردی استوار بوده است؛ واشنگتن امنیت پادشاهی را در برابر

دیدگاه

جنگ نتیجه قدرت و دیوانگی است

روایت سیدعلی صالحی از مواجهه‌اش با جنگ‌هایی که علیه ایران صورت گرفته است

سیدعلی صالحی، شاعر پیش‌کسوت در گفت‌وگو با ایسنا دربارهٔ مواجهه‌اش با جنگ‌هایی که علیه ایران صورت گرفته، گفته است. صالحی دربارهٔ جنگ عراق علیه ایران و این‌که بر او در آن زمان چه گذشت، می‌گوید: «آن زمان وقتی آن هیولا و شیطان هولناک، که به باور من عرب هم نبود، آن تکریتی در مرز ایران و خرمشهر کشتار می‌کرد و حتی گلوله هم خرج مدافع و ایرانی‌ها نمی‌کرد، با دست بسته آن‌ها را به رودخانه می‌انداخت. من که خوزستانی بودم، اخبار درجه یک را از خانواده و دوستان می‌گرفتم و می‌دانستم که دارند می‌آیند. به سرعت رفتم و توانستم خود را از اهواز به آبادان برسانم که خانواده برادرم را نجات دهم. جالب این است در راه یکی از اقوام که با تراکتور هم می‌آمد، گفت: علی کجا می‌روی؟ گفتم: فریدون و خانواده‌اش. گفت: آن‌ها به مسجدسلیمان رفتند، برگرد. برگشتم اهواز و بعد هم مسجدسلیمان. چند صحنه دیدم که هزار سال دیگر هم زیست داشته باشم، فراموش نمی‌کنم. یک‌بار یکی از بمب‌هایی که می‌زد، در یادگان افتاد؛ من سربازی دیدم که سر نداشت اما سراپا ایستاده بود. ببینید چقدر هولناک است. به‌جای سرش فواره خون بود. هنوز از خودم سوال می‌کنم که چرا باید آن لحظه را با ذهنت فیلم‌برداری کنی؟ چند ثانیه بود، می‌توانستی جای دیگری را نگاه کنی. اما انگار می‌دانستم. خون فواره می‌زد و سراپا بود، بعد هم عین شمع ذوب شد. برایم آزاددهنده بود، هنوز هم آزاددهنده است. ممکن است هزار بار از این اتفاقات در جنگ هشت‌ساله رخ داده باشد اما من ندیدم، من از دیده‌هایم می‌گویم».



جنگ دستاورد نهایی شیطان است

این شاعر درباره بمباران مدرسهٔ شجرهٔ طیبه میناب در جنگ ۴۰ روزه و شعری که در این زمینه سرود نیز می‌گوید: «خیلیی دردآور بود. من دخترهایم را دیدم که در مدرسه کشته شدند درحالی که دخترهای من سی–چهل‌ساله هستند و این‌جا نیستند. آدم به دشمن چه بگوید؟ تو چرا کودکان را کشتی؟ بیا من را بکشن. زورت می‌رسد من را بکشن. آدم که زیاد داری. چرا نزدیک به ۲۰۰ نفر بچه را کشتی؟ مگر می‌شود؟ هنوز هم ادامه دارد. مگر ول می‌کنند؟ حالاحالاها ادامه دارد. دختر بچه‌ها چه گناهی کرده‌اند؟ اصلاً همه انسان‌ها چه گناهی کرده‌اند؟ حتی سربازها. سربازها چه گناهی کرده‌اند؟ شما جنایتکار هستید. این را به که بگوئیم؟ تو فرزندان ملت خود را می‌فرستی که کشته شوند، بعد برای چی کشته شوند؟ برای این‌که فرزندان ملت ما را بکشند».

او در ادامه با بیان این اعتقاد که «جنگ دستاورد نهایی شیطان است» می‌افزاید: «جنگ نتیجهٔ قدرت و بلاهت، نتیجه قدرت و دیوانگی است. این دو همیشه با هم هستند. قدرت و دیوانگی. در جنگ اخیر خیلی اذیت شدم. در آن جنگ [جنگ هشت‌ساله] جوان بودم. عیبی ندارد که بگویم یک‌بار رفتم و گفتم می‌خواهم بروم جنگ. در تهران آگهی داده بودند و داوطلب می‌خواستند. نزدیک میدان امام حسین. بعد آقای مصاحبه کرد و گفت: با همین سسبل‌ها می‌خواهی بروی جنگ؟، گفتم: چه ربطی دارد؟ زیست‌مان این شکلی است. کمتر بختیاری را سراغ دارم که سبیل نداشته باشد. چه‌کار کنم؟ پدر اندر پدر همه سبیل داشتند، وقتی سبیل نداری، مسخره می‌کنند، مثلاً اگر شما ریش نداشته باشی، مؤمنی شما را ببیند، از شما انتقاد می‌کند. تصمیم نهایی‌ام این بود که بروم در آشپزخانه کار کنم، سبزی پاک کنم تا جواب وجدان خودم را بدهم و بگویم من هم در جبهه هستم، حالا نه در صف مقدم، در صف دوم هستم».

او دربارهٔ این‌که در جنگ اخیر از چه جهت بیشتر اذیت شده است، بیان می‌کند: «دخترهایی را که زندد و کودکانی را که کشتند. این‌ها خیلی رنج‌آور بود. خیلی بی‌رحمانه است. من نوه دارم و نوام هم دختر است. خودم هم دختر دارم. هیچ نگاه آرمانی که به این قضیه نداشته باشم، به فرض نگاه ملی و دینی هم نداشته باشم، نگاه عاطفی که دارم، انسان هستم. چطور ممکن است؟ در هر جای جهان که هستی باید طرف مظلوم باشی، در هر رده و صنفی باید از مظلوم تا اثبات تقصیر دفاع کنی. مظلوم است و دست‌بسته».

این شاعر با گریز به دانش‌آموزان مدرسه میناب می‌گوید: «با چه جرأتی بچه‌های ما را زدن؟ تا ابد دارم گرم گیرم، امیدوارم یک روز بتوانم بروم و خاک‌شان را زیارت کنم».

کافه

تازه‌های ادب و هنر

مدافع همیشگی ایران

پیروز مجتهدزاده استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک درگذشت

پیروز مجتهدزاده، مورخ، استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، روز پنج‌شنبه ۲۳ مهر پس از دوره‌ای بیماری در ۸۱ سالگی در لندن درگذشت. مجتهدزاده پژوهش‌گری بود که سال‌ها از مرزا، نام خلیج‌فارس و حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه دفاع کرد.

بخش عمدهٔ فعالیت علمی او به مطالعه جغرافیای سیاسی ایران، مرزهای بین‌المللی، موقعیت راهبردی تنگه هرمز و مسائل حاکمیتی خلیج‌فارس اختصاص داشت. او در دانشگاه‌های ایران، از جمله دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران، فعالیت دانشگاهی داشت و در محافل علمی بین‌المللی نیز به‌عنوان پژوهشگر مسائل ژئوپلیتیک شناخته می‌شد. از آثار شناخته‌شده مجتهدزاده می‌توان به کتاب‌های «جغرافیای سیاسی تنگه هرمز»، «جزایر تب و ابوموسی»، «جغرافیای تاریخی خلیج‌فارس» و کتاب انگلیسی Small Players of the Great Game اشاره کرد. او در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود به دفاع از مواضع ایران درباره نام خلیج‌فارس و حاکمیت بر جزایر سه‌گانه توجه ویژه‌ای داشت.

مورد توجه گنجی و عالیخانی

پیروز مجتهدزاده ۲۰ بهمن ۱۳۲۴ در شهر نور استان مازندران متولد شد. دورهٔ ابتدایی را در مدرسه‌ای گذراند که پدرش به‌نام داریوش در نور تأسیس کرده و اداره‌اش می‌کرد. پدر پیروز در دوران مشروطه در مدرسه سهپسالز تهران درس خوانده بود و این سابقه، فضای خانه را به کتاب و مدرسه نزدیک کرده بود. نور در آن سال‌ها تا کلاس یازدهم بیشتر نداشت. پس از آن، راه ادامه تحصیل از تهران می‌گذشت. پیروز مجتهدزاده سال ۱۳۴۳ با حمایت پدر و همراه برادرش، به پایتخت رفت و یک سال بعد از مدرسه پهلوی سابق در خیابان ری، در رشتهٔ ادبی دیپلم گرفت. سال ۱۳۴۶ با نمرای متوسط وارد رشتهٔ جغرافیای انسانی و اقتصادی دانشگاه تهران شد و در سال سوم دانشگاه (۱۳۴۹)، نخستین کتابش را دربارهٔ

گزارش: سیپنمای ایران

میانبر به آکادمی

«غذای نیمروز» ساخته مجید مجیدی چگونه راهی اسکار می‌شود؟

فیلم «غذای نیمروز» ساخته مجید مجیدی، کارگردان ایرانی، روز پنج‌شنبه جایزه بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان را دریافت کرد؛ موفقیتی که برای این درام تحسین‌شده درباره معلمی که برای تأمین غذای دانش‌آموزانش تلاش می‌کند، مسیری به سوی رقابت اسکار بهترین فیلم بین‌المللی باز می‌کند. مجیدی جایزه را از ژانگ ییمو، کارگردان سرشناس چینی و رئیس هیأت داوران بخش رقابتی امسال، دریافت کرد و سپس سخنرانی پرشوری به اعتراض به جنگ در ایران انجام داد. او به‌طور ویژه حمله به مدرسه‌ای در میناب در فوریه امسال را محکوم کرد؛ حمله‌ای که در جریان یک حمله نظامی آمریکا، ۱۵۶ غیرنظامی از جمله ۱۲۰ دانش‌آموز کشته شدند. هیأت داوران هفت‌منفره جشنواره بوسان به ریاست ژانگ ییمو، چهره سرشناس سینمای چین، اعلام کرد که تصمیم برای انتخاب فیلم به‌عنوان برنده، به اتفاق آرا گرفته شده است. در طول هفته برگزاری جشنواره، دو تهمه‌ها به فیلم مجیدی در بوسان بیشتر و بیشتر شد و بسیاری پیش‌بینی می‌کردند و درست هم پیش‌بینی کردند که جایزه اصلی به این فیلم خواهد رسید. مجیدی هنگام دریافت جایزه در مرکز سینمایی بوسان، این موفقیت را به مردم ایران تقدیم کرد و بخشی از سخنانش را به محکوم کردن تلفات غیرنظامیان در جنگ به رهبری آمریکا علیه کشورش اختصاص داد. او گفت: «ماایلم این جایزه را به قهرمانان شجاع ایران، مردم ایران، تقدیم کنم؛ مردمی که در تمام این سال‌ها ایستادگی کرده‌اند و همچنان در برابر ظلم مقاومت می‌کنند». او در ادامه گفت: «در نخستین روز این جنگ در ایران، مدرسه‌ای در میناب هدف حمله قرار گرفت و ۱۲۰ دانش‌آموز بی‌گناه کشته شدند. حتی اکنون نیز پیکر برخی از آنها پیدا نشده است. مردم ما چه جرمی مرتکب شده‌اند؟ هیچ چیزی جز اینکه مردم ما می‌خواهند مستقل باشند. آنها تا پایان ایستادگی خواهند کرد». مجیدی سخنانش را اینگونه به پایان رساند: «آرزو می‌کنم جهانی داشته باشیم که دیگر در آن جنگی نباشد؛ جهانی سرشار از صلح، عشق و برادری. برای چنین آینده‌ای دعا می‌کنم».

معلم در مرز اخلاق و بقاء

«غذای نیمروز» در بوسان، منتقدان را با داستان‌گویی قدرتمند و تمثیل‌گونه و سبک بصری مسلط خود تحت‌تأثیر قرار داد. داستان فیلم درباره داوود سولان با بازی محمد رحیمی است؛ معلم قراردادی در روستایی دورافتاده در جنوب‌شرقی ایران که امیدش برای دستیابی به یک شغل دائمی دولتی، پس از مرگ یک خنثر ثروتمند به‌خطر می‌افتد. با مرگ این فرد، غذای رایگانی که باعث می‌شد دانش‌آموزان فقیر روستا همچنان به مدرسه بیایند، قطع می‌شود. سولان که مصمم است هم مدرسه و هم آینده خودش را نجات دهد، به اقداماتی هرچه ناامیدانه‌تر روی می‌آورد؛ ازجمله قاچاق خطرناک سوخت در آن سوی مرز. در این مسیر، نجابت طبیعی او با جاه‌طلبی‌های محدودش درگیر می‌شود. این فیلم ادامه دغدغه دیرینه مجیدی درباره فئسارهای اخلاقی‌ای است که انسان‌های حاشیه‌نشین جامعه با آنها روبه‌رو می‌شوند؛ موضوعی که در آثار پیشین و جشنواره‌ای او مانند «رنگ خدا» محصول ۱۹۹۹ و «باران» محصول ۲۰۰۱ نیز دیده می‌شود. مجیدی برای ساخت «غذای نیمروز» تمام بازیگران غیرحرفه‌ای فیلم را از طریق بازیگرایی خیابانی در منطقه انتخاب کرده و بازی آنها را در برابر چشم‌انداز خشن و فرازمینی کوهستان‌های به‌اصطلاح مریخی ایران قرار داده است.

درباره ایران

مجیدی پیش‌تر در جریان جشنواره و در یک نشست خبری، درباره این موضوع صحبت کرده بود که به دلیل افسردگی و خستگی ناشی از شرایط بحرانی کشورش، تقریباً تصمیم گرفته بود دعوت جشنواره برای سفر به کره‌جنوبی را نپذیرد. او در نهایت به این نتیجه رسید که این سفر می‌تواند فرصتی باشد تا او فیلمش «پایمی کوچک از سوی مردم من به مردم کشورهای دیگر و نقاط دیگر جهان» منتقل

و سال ۱۹۸۵ مدیر بنیاد پژوهشی یوروسویک شد. از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۲ در مرکز مطالعات ژئوپلیتیک و مرزهای بین‌المللی دانشگاه لندن کار کرد.

دههٔ ۱۹۹۰ دههٔ کتاب‌های انگلیسی مجتهدزاده بود: «جزایر تب و ابوموسی» (۱۹۹۵)، «امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران» (۱۹۹۶) و «امنیت و سرزمین‌مندی در خلیج‌فارس» (۱۹۹۹). در همان سال‌ها مقاله‌ای دربارهٔ دریای خزر برای دانشگاه ملل متحد نوشت و مشاور پژوهشی آن شد. آثار بعدی‌اش دامنه را گسترده‌تر کرد. «بازیگران کوچک بازی بزرگ» در ۲۰۰۴ و «سیاست مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران» در ۲۰۰۷ منتشر شد. در روایت او، بریتانیا که مرکز امپراتوری‌اش نه لندن که بمبئی بود، افغانستان و شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس را به‌عنوان کشورهای سیر در برابر روسیه شکل داد. این چارچوب مفهومی در بیشتر نوشته‌های مجتهدزاده دیده می‌شود. کتاب مفصل او دربارهٔ جغرافیای سیاسی دریای جزایر در ۲۰۱۵ در آمریکا چاپ شد و ترجمه فارسی‌اش در ۱۳۹۴ منتشر شد. «نام خلیج‌فارس در درازای تاریخ» را با همکاری مرکز مطالعات سپاه منتشر کرد و برای دانشنامه‌های شیراز و جهان اسلام مدخل نوشت. در دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه تهران و دانشگاه‌های دیگر تدریس کرد و در ۲۰۱۴-۲۰۱۳ به دانشگاه جورج واشینگتن رفت. در سال‌های بعد، سمت‌های علمی او به بخش دیگری از زندگی‌اش ربط داشت: عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضویت در مجامع علمی بریتانیا و حضور در اجلاس استانبول. در همین دوران خاطراتش را با نام «افسانه زندگی» (۱۳۹۳) منتشر کرد. آثار نظری او، مثل «فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک» و کتاب‌هایی درباره فضای مجازی، در دهه ۱۳۹۰ آمدند. کتابخانه ملی ایران هم در سال‌های اخیر یکی از آثارش، «جغرافیای سیاسی تنگه هرمز»، را در سلسله‌یادداشت‌های خود معرفی کرد.

شرکت برق تهران آذربایجان	
	
جدول زمانی انجام مناقسه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۱
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۷/۲۶
مهلت بارگذاری پیشنهادات سامانه ستاد	تا ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۲
بازگشایی پاکات	ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۸/۱۲

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴

جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایت‌های زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۳۱۰۷۳۳۲۲ تماس حاصل فرمایند.
www.setadiran.ir www.azrec.co.ir www.lets.mporg.ir www.tavanir.org.ir

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۰

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای آذربایجان

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

بازگشت دلار

چرا افزایش عرضه ارز توانست دلار را در قیمت‌های پائین‌تر نگه دارد؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد
 افت بیش از ۱۰ هزار تومانی دلار در نیمه نخست هفته در دو روز پایانی تقریباً به‌طور کامل جبران شد؛ چرخشی که نشان داد افزایش عرضه ارز، اگرچه توانست قیمت‌ها را پائین بیاورد اما برای تثبیت بازار در سطوح پائین‌تر، کافی نبود. بازار ارز در سومین هفته مهر ۱۴۰۵، از شنبه ۱۸ مهر تا پنج‌شنبه ۲۲ مهر، دو مسیر متفاوت را پیمود: ابتدا عقب‌نشینی زیر فشار عرضه سپس بازگشت با تقویت تقاضا. حاصل این رفت‌وبرگشت، ثبت بازدهی مثبت برای تمام ارزهای بررسی‌شده بود؛ هرچند تغییر محدود قیمت‌های پایانی، تصویر کاملی از تلاطم معاملات ارائه نمی‌کند. مهم‌ترین ویژگی این هفته، فاصله میان دامنه نوسان و بازدهی نهایی بود. دلار آزاد در مقایسه با نرخ پایانی شنبه فقط ۹۲۰ تومان گران شد اما فاصله بالاترین و پائین‌ترین قیمت آن به ۱۱ هزار و ۱۲۰ تومان رسید. بنابراین بازاری که در کارنامه هفتگی رشدی کمتر از نیم‌درصد نشان می‌دهد، در جریان معاملات با افت‌وخیزی به‌مراتب بزرگ‌تر مواجه بود. زمان ورود و خروج معامله‌گران، در چنین شرایطی، اهمیت بیشتری از مقایسه ساده قیمت ابتدا و انتهای هفته پیدا می‌کند. دلار آزاد معاملات شنبه را با نرخ پایانی ۲۶۶ هزار و ۳۰۰ تومان پشت سر گذاشت. افزایش عرضه ارز، فروش دلار با کارت ملی و مداخلات بازارساز در روزهای بعد قیمت را پائین آورد و روز سه‌شنبه کف هفتگی ۲۵۶ هزار و ۱۷۰ تومان ثبت شد. با این حال از چهارشنبه تقاضا در سطوح پائین‌تر تقویت شد و مسیر قیمت برگشت. این حرکت پنج‌شنبه نیز ادامه یافت تا دلار در نرخ ۲۶۷ هزار و ۲۲۰ تومان بسته شود؛ معادل بازدهی مثبت ۲/۵ درصدی نسبت به پایان شنبه. نرخ پایانی پنج‌شنبه تنها ۷۰۰ تومان با سقف هفتگی فاصله داشت؛ نشانه‌ای از شدت بازگشت قیمت در پایان هفته. این چرخش در بازار هرات نیز مشاهده شد با این تفاوت که دامنه نوسان آن از دلار آزاد بیشتر بود. دلار فردایی هرات از نرخ پایانی ۲۶۲ هزار تومان در شنبه تا کف ۲۵۳ هزار و ۴۰۰ تومان در سه‌شنبه پائین رفت سپس در آخرین معامله فردایی پنج‌شنبه به ۲۶۳ هزار و ۴۰۰ تومان رسید. افزایش ۱۴۰۰ تومانی قیمت، بازدهی هفتگی این بازار را به ۵۳/۲ درصد رساند. فاصله سقف ۲۶۶ هزار و ۷۰۰ تومانی شنبه با کف سه‌شنبه نیز ۱۳ هزار و ۳۰۰ تومان بود. یورو و درهم آزاد ام از همین الگوی نزول و بازگشت پیروی کردند. یورو که شنبه در نرخ ۲۹۸ هزار و ۵۵۰ تومان بسته شده بود، سه‌شنبه به ۲۸۶ هزار و ۷۶۰ تومان رسید. سپس پنج‌شنبه تا مرز ۳۰۰ هزار تومان بالا رفت و در نهایت با قیمت ۲۹۹ هزار و ۷۷۰ تومان به کار خود پایان داد. بازدهی هفتگی یورو ۴/۱ درصد و فاصله سقف و کف آن ۱۳ هزار و ۲۴۰ تومان بود. درهم نیز پس از کاهش از نرخ پایانی ۷۲ هزار و ۶۰۰ تومان به کف ۶۹ هزار و ۷۷۰ تومان، پنج‌شنبه به ۷۲ هزار و ۸۰۰ تومان بازگشت و رشد ۲/۸ درصدی ثبت کرد. در سوی دیگر، بازار حواله بازدهی بیشتری از ارزهای متناظر در بازار آزاد داشت. حواله دلار با افزایش از ۱۷۸ هزار و ۴۰۶ تومان به ۱۸۱ هزار و ۹۸ تومان، رشد ۱/۵۱ درصدی را ثبت کرد و صدزنشین بازدهی ارزهای بررسی‌شده، شد. حواله درهم نیز از ۴۸ هزار و ۵۷۹ تومان به ۴۹ هزار و ۱۶۴ تومان رسید و ۱/۲۰ درصد افزایش یافت. حواله یورو با رشد از ۱۹۹ هزار و ۶۸۴ تومان به ۲۰۱ هزار و ۴۲۲ تومان، بازدهی ۸/۸ درصدی داشت. البته تفاوت شرایط دسترسی و معامله، مانع از آن است که این ارقام را معادل فرصت سودآوری یکسان برای همه فعالان بدانیم. رشد سریع‌تر حواله دلار نسبت به دلار آزاد، فاصله نسبی این دو نرخ را اندکی کاهش داد؛ با این حال شکاف همچنان بزرگ بود. در پایان پنج‌شنبه، دلار آزاد ۸۶ هزار و ۱۲۲ تومان بالاتر از حواله دلار قرار داشت؛ یعنی حدود ۴۷درصد بیشتر. این فاصله، یکی از وجوه مهم تصویر بازار در پایان هفته بود. برای هفته پایانی مهر، پررش اصلی ماندگاری بازگشت تقاضاست. محدوده ۲۶۷ تا ۲۷۰ هزار تومان می‌تواند، محل آزمون ادامه حرکت صعودی باشد و محدوده ۲۵۶ تا ۲۶۰ هزار تومان بر پایه معاملات اخیر ناحیه‌ای برای ارزیابی واکنش خریداران است. این اعداد صرفاً نقاط مرجع قیمتی‌اند؛ مسیر بعدی بازار به تداوم عرضه، قدرت تقاضا و اخبار سیاسی وابسته خواهد بود.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

وعده شکست خورده

چرا بانکداری بدون ربا پس از ۴۳ سال همچنان مسئله است؟

سعید مشهوری
گروه اقتصاد

۴۳ سال پس از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، بار دیگر طرحی برای حذف ربا از نظام بانکی مطرح شده است. براساس اعلام حسین صمصای، نماینده مجلس، طرح ۲۲ ماده‌ای «حذف ربا و اصلاح نظام بانکی» پس از بررسی و رفع اشکالات در معاونت قوانین در سامانه قانون‌گذاری مجلس بارگذاری شده است. چهار هدف اعلام‌شده آن حذف ربا از مناسبات بانکی، مهار خلق بی‌رویه پول، هدایت نقدینگی به بخش واقعی اقتصاد و حل ناترازی بانک‌هاست. هنوز بدون بررسی متن کامل طرح نمی‌توان درباره ابزارها و پیامدهای آن داوری کرد اما همین اهداف پرسشی قدیمی را در ذهن اقتصاددانان و متخصصان امور بانکی زنده می‌کند، چرا ساختاری که بیش از ۴ دهه پیش قانوناً بدون ربا شد همچنان به قانونی برای حذف ربا نیاز دارد؟

پاسخ مدافعان اقتصاد اسلامی معمولاً این است که قانون پیشین درست اجرا نشده، قراردادهای صوری شده‌اند و بانک‌ها به روح بانکداری اسلامی وفادار نمانده‌اند. اما منتقدان، مسئله را بنیادی‌تر می‌بینند و می‌گویند شاید فاصله میان وعده و عملکرد صرفاً نتیجه تخلف مجریان نباشد و شاید الگوی پیشنهادی با برخی کارکردهای بانک و انگیزه‌های سپرده‌گذار و وام‌گیرنده سازگار نباشد.

برای ارزیابی این اختلاف باید میان سه موضوع ممنوعیت شرعی ربا امکان طراحی قراردادهای مالی سازگار با شریعت و امکان اداره تمام نظام پولی بدون سازوکاری برای قیمت‌گذاری زمان و ریسک، تمایز گذاشت. یکسان گرفتن و یکی دانستن این سه مقوله، بحث را از ابتدا مبهم می‌کند. برای اینکه از این ابهام دور شویم به ۴۳ سال پیش برمی‌گردیم. قانون عملیات بانکی بدون ربا هشتم شهریور ۱۳۶۲ تصویب و اجرای آن از ابتدای ۱۳۶۳ آغاز شد. این قانون در فضای پس از انقلاب و پس از ملی شدن بانک‌ها، قرار بود مناسبات پولی را با موازین اسلامی سازگار کند. سپرده‌ها در دو گروه اصلی قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری قرار گرفتند و برای تأمین مالی، قراردادهایی مانند مشارکت، مضاربه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و سلف پیش‌بینی شد. بانک در سپرده‌های سرمایه‌گذاری، وکیل سپرده‌گذار باید به‌کارگیری منابع بود و منافع باید براساس قرارداد تقسیم می‌شد. بنابراین قانون از ابتدا کسب درآمد بانکی را ممنوع نکرد و می‌خواست مبنای حقوقی آن را تغییر دهد. منطق این تغییر، جایگزینی رابطه طلبکار و بدهکار با مجموعه‌ای از روابط معاملاتی و مشارکتی بود. بانک می‌توانست به‌جای پرداخت قرض با زیاد، کالایی بخرد و اقساطی بفروشد، دارایی را اجاره دهد یا در فعالیت اقتصادی شریک شود. با این حال، این قراردادها یکسان نبودند. در مشارکت، بازده به نتیجه فعالیت وابسته است و در فروش اقساطی بدهی مشتری می‌تواند از ابتدا مشخص باشد. همین تفاوت نشان می‌دهد بانکداری بدون ربا، حتی در تعریف حقوقی، الزاماً به‌معنای حذف بازده ازپیش‌تعیین‌شده، نیست. بخش مهمی از اختلاف‌های بعدی نیز از فاصله میان آرمان مشارکت در سود و زیان و استفاده از قراردادهای بدهی‌محور برخاست. نتیجه اجرای این چارچوب، حذف قرارداد قرض بهره‌دار از صورت رسمی عملیات بانکی بود اما نیاز اقتصادی به بازده، وثیقه، سررسید و وصول مطالبات باقی ماند. بانک همچنان باید منابع جذب می‌کرد، هزینه کارکنان و شعب را می‌پرداخت و پاسخگوی سپرده‌گذاران می‌بود. مشتری نیز معمولاً می‌خواست بداند چه مبلغی دریافت می‌کند و چه مبلغی پس می‌دهد. این تقاضا برای پیش‌بینی‌پذیری، انگیزه استفاده از قراردادهایی را تقویت می‌کند که پرداخت‌های مشخص دارند. در تجربه جهانی نیز بانکداری اسلامی عمدتاً به مشارکت خالص محدود نمانده و قراردادهای فروش، اجاره و دیگر ابزارهای بدهی‌مانند در آن جایگاه

مهمی یافته‌اند. در کشور ما، این تغییر حقوقی مانع شکل‌گیری مشکلات بانکی نشد. مطالبات وصول‌نشده، ضعف سرمایه، تأمین مالی تکلیفی و نیاز بانک‌ها به منابع بانک مرکزی همچنان موضوع سیاست‌گذاری باقی ماند. گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول درباره ایران در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ بر افزایش سرمایه بانک‌های قابل احیا، تعیین تکلیف بانک‌های غیرقابل احیا و محدود کردن اعتبارات تکلیفی تأکید داشتند. این شواهد نشان می‌دهد، عنوان «بدون ربا» به‌تنهایی سلامت بانکی ایجاد نمی‌کند. البته نسبت دادن تمام ناکامی‌ها به این قانون نیز معتبر نیست. سلسله مالی دولت، ضعف نظارت و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، متغیرهایی مستقل و اثرگذارند. اما مدافعان اقتصاد اسلامی چرا بر حذف ربا اصرار دارند؟ نخستین دلیل، دینی است و در برداشت رایج فقهی، شرط دریافت زیاده در قرارداد قرض ممنوع است و نمی‌توان ضرورت اقتصادی را به‌تنهایی مجوز آن دانست. دلیل دوم، برداشتی از عدالت است. آنان می‌پرسند چرا صاحب پول باید بدون مشارکت در نتیجه فعالیت، بازده قراردادی بگیرد، درحالی که کارآفرین با احتمال شکست روبه‌روست؟ در الگوی مطلوب آنان، تأمین‌کننده سرمایه باید در مخاطره اقتصادی نیز سهیم باشد. از این منظر مشارکت در سود و زیان، رابطه‌ای عادلانه‌تر میان سرمایه و کار برقرار می‌کند و فشار تعهد ثابت بر نگاه را کاهش می‌دهد. استدلال دیگر، پیوند مالیه با اقتصاد واقعی است. مدافعان می‌گویند، وقتی تأمین مالی به خرید کالا، اجاره دارایی یا مشارکت در تولید وابسته باشد امکان گسترش بدهی‌های منفصل از فعالیت اقتصادی کمتر می‌شود. همچنین خدمات سازگار با باورهای مذهبی می‌تواند، افرادی که از بانکداری متعارف پرهیز می‌کنند را وارد شبکه مالی کند. این مزایا را نباید نادیده گرفت. پژوهش‌های صندوق بین‌المللی پول نیز ظرفیت تأمین مالی اسلامی برای گسترش دسترسی مالی و سرمایه‌گذاری را مطرح کرده‌اند؛ با این حال این ظرفیت‌ها، مشروط به کیفیت نهادها و نظارت‌اند و برتری همیشگی این بانک‌ها را اثبات نمی‌کنند.

دشواری نخست از ارزش اقتصادی زمان آغاز می‌شود. کسی که امروز از مصرف پول خود صرف‌نظر می‌کند امکان استفاده فوری از منابعش را واگذار کرده است. دریافت پول امروز و دریافت همان مبلغ در آینده لزوماً ارزش یکسانی ندارد؛ حتی اگر تورم صفر باشد، نقدشوندگی و فرصت سرمایه‌گذاری ارزش دارند. در اقتصاد متعارف، بهره یکی از قیمت‌هایی است که این تفاوت را منعکس می‌کند و ریسک نیز بر نرخ قرارداد، اثر می‌گذارد. ممنوعیت یک شکل حقوقی، این هزینه‌ها را از بین نمی‌برد. هزینه تأمین مالی ممکن است در قیمت فروش نسبه، اجاره، کارمزد یا سهم سود ظاهر شود؛ بنابراین حذف نام‌بهره الزاماً حذف کارکرد اقتصادی آن نیست. تورم، این تعارض را آشکارتر می‌کند. فرض کنیم فردی ۱۰۰ میلیون تومان برای یک سال در اختیار بانک بگذارد و سطح قیمت‌ها در این مدت ۳۰ درصد افزایش یابد. بازگرداندن ۱۰۰ میلیون تومان اصل اسمی پول را حفظ می‌کند اما قدرت خرید آن را کاهش می‌دهد. بازپرداخت ۱۳۰ میلیون تومان در این مثال و با فرض تحقق همان تورم فقط قدرت خرید اولیه را نگه می‌دارد. این محاسبه اقتصادی به‌خودی‌خود حکم فقهی صادر نمی‌کند اما نشان می‌دهد چرا حذف بازده اسمی در اقتصاد توری می‌تواند به زیان بس اندازکننده باشد. قرارداد همچنان باید مشخص کند هزینه کاهش ارزش پول بر عهده چه کسی است. دشواری دوم، مسئله اطلاعات است. مشارکت واقعی مستلزم آن است که بانک، سود و زیان واقعی مشتری را بشناسد. نگاه درباره فروش، هزینه‌ها و کیفیت مدیریت خود اطلاعات بیشتری دارد و بانک برای راستی‌آزمایی باید حسابرسی و نظارت کند. اگر سود کمتر اظهار شود، سهم بانک کاهش می‌یابد. اگر زیان ناشی از سوءمدیریت باشد، تشخیص آن از زیان تجاری دشوار است. در اقتصادی با حسابداری غیرشفاف، این هزینه بیشتر می‌شود. مشارکت ناممکن نیست. صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خطرپذیر چنین کاری می‌کنند. مسئله آن است که تبدیل میلیون‌ها رابطه اعتباری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره۶۳۶۶۰۰۷۰۰۳۰۹۰۵۶۰۱۴۰ مورخه ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوئین زهرا تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی عباس چگینی به کد ملی ۰۷۷۰۱۰۸۱۰۵۰۹۰۰ فرزند اسمعیل در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۴۵۴/۸۳ متر مربع در پلاک ۸۹ فرعی از ۴۷ اصلی واقع در بخش ۹ موجب پرونده کلاسه ۰۷۰۰۰۲۸۳۰۱۴۴۰۹۰۵۱ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی و نیز املاک و تزیی روستاها از تاریخ الصاق در محل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و معترض باید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نموده و گواهی آن را به اداره ثبت اسناد و املاک تحویل دهد در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم محفل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۲۹۸۸۲۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۱

موسی حسین زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بوئین زهرا

روزمره به مشارکت، هزینه و تخصصی متفاوت از بانکداری معمول می‌طلبد. دشواری سوم به ماهیت سپرده برمی‌گردد. بسیاری از مردم پول خود را در بانک می‌گذارند چون امنیت و امکان برداشت می‌خواهند. اگر منابع آنان واقعاً در سرمایه‌گذاری شریک باشد باید احتمال کاهش اصل سرمایه را نیز بپذیرند. در این صورت، حساب سرمایه‌گذاری به واحد یک صندوق شبیه می‌شود. اگر بانک، برخلاف نتیجه سرمایه‌گذاری، اصل منابع و بازدهی نسبتاً هموار را حفظ کند باید زیان را از سرمایه خود یا منابع دیگری جبران کند. بنابراین میان تضمین سپرده و مشارکت کامل در زیان، تنش واقعی وجود دارد. مطالعات نظارتی نیز بر ضرورت روشن بودن حقوق و ریسک حساب‌های سرمایه‌گذاری تأکید دارند. دشواری چهارم، تنوع نیازهای مالی است. خرید خانه، پرداخت هزینه درمان، تأمین سرمایه در گردش و احداث کارخانه یک ماهیت ندارند. مشارکت برای همه آنها ابزار مناسبی نیست. بانکداری اسلامی برای پاسخگویی به این تنوع از فروش نسبه و اجاره استفاده می‌کند اما این ابزارها نیز تعهد پرداخت ایجاد می‌کنند. اگر معامله واقعی باشد، می‌توان درباره تفاوت حقوقی و توزیع ریسک آن بحث کرد. اگر خریدوفروش صرفاً پوششی برای پرداخت وجه باشد، قرارداد به تشریفات اضافی تبدیل می‌شود. فشار برای گنجاندن تمام نیازهای مالیی در چند قالب محدود، خطر فاصله گرفتن صورت قرارداد از واقعیت اقتصادی را افزایش می‌دهد. هدف مهار خلق پول نیز با حذف ربا یکی نیست. بانک انگلستان توضیح می‌دهد که بانک‌های تجاری هنگام اعطای اعتبار معمولاً هم‌زمان سپرده ایجاد می‌کنند. از این منطق ترازنامه‌ای برمی‌آید که تغییر عنوان قرارداد به‌خودی‌خود مانع ایجاد سپرده جدید نمی‌شود. بانک می‌تواند در چارچوب یک معامله مجاز نیز ترازنامه‌اش را گسترش دهد. کنترل این فرآیند به سرمایه کافی، محدودیت ریسک، نظارت، وضعیت نقدینگی و سیاست پولی وابسته است. بنابراین هر طرحی که حذف ربا را به مهار خلق پول پیوند می‌زند باید سازوکار مستقل این ارتباط را نشان دهد. ناترازی نیز مسئله‌ای حسابداری و اقتصادی است که با تغییر نام قرارداد رفع نمی‌شود. اگر ارزش واقعی دارایی‌های بانک کمتر از بدهی‌هایش باشد باید زیان شناسایی و مسئول پرداخت آن مشخص شود. سهامدار، دولت، طلبکار یا عموم مردم ممکن است، هزینه را متحمل بشوند؛ پنهان کردن زیان فقط تسویه آن را عقب می‌اندازد. همچنین هدایت اعتبار به تولید، بدون ارزیابی بازده و توان بازپرداخت، می‌تواند مطالبات مشکل‌دار بیشتری بسازد. تجربه به‌توصیه‌های اصلاح بانکی درباره ایران نشان می‌دهد، بازسازی سرمایه و اصلاح رابطه دولت و بانک‌ها، جایگزین قراردادی ندارند. در نتیجه، گزاره بانکداری بدون ربا مطلقاً اجرashدنی نیست و بیش از حد قطعی است. بانک‌ها و ابزارهای سازگار با شریعت وجود دارند. آنچه با مانع روبه‌روست، وعده حذف همزمان قیمت زمان، ریسک سرمایه‌گذاری، تعهد بازپرداخت و هزینه نظارت از نظام مالی است. طرح تازه باید روشن کند زیان برعهده کیست، ارزش پس انداز چگونه حفظ می‌شود و چه چیزی مانع تأمین مالی رانتی خواهد شد. پس از ۴۳ سال، معیار اصلاح را باید در شفافیت قرارداد، سلامت ترازنامه، حفظ حقوق سپرده‌گذار و مهار تورم جست‌وجو کرد. تکرار هدف حذف ربا، بدون پاسخ به این پرسش‌ها، توضیح نمی‌دهد چرا نتیجه این بار متفاوت خواهد بود. از منظر اقتصاد سیاسی هم مسئله اصلی این است که طرح جدید، قدرت تخصیص اعتبار را به چه کسانی می‌دهد و هزینه تصمیم‌های آنان را چه کسانی می‌پردازد. اگر زیر عنوان حذف ربا، اختیار دولت و گروه‌های ذی‌نفع برای تعیین نرخ‌ها و توزیع تسهیلات بیشتر شود، حاصل می‌تواند گسترش رانت اعتباری باشد. منابع ارزان به برخورداران از نفوذ برسد و زیان آن از مسیر تورم و کاهش ارزش سپرده‌ها میان مردم توزیع شود. آزمون اصلاح بانکی همین‌جاست. آیا دست صاحبان قدرت از منابع بانک‌ها کوتاه‌تر می‌شود و مسئولیت زیان برعهده تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد؟ بدون این تغییر، طرح تازه نیز ممکن است پوششی شرعی برای تداوم همان مناسباتی شود که ناترازی را ساخته‌اند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر	
نظر به دستور مواد ۳۱و قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد. املاک متقاضی واقع در قریه به علی آباد میر پلاک ۲۳ اصلی بخش ۲ قشلاقی کلاسه ۱۵۶۲ – ۱۴۰۴/۱۵۶۳ رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۷۰۳۳۵۱۸۶ و ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۷۰۳۳۵۱۸۶ پلاک ۳۵۲۷ فرعی آقای / خانم خاغمرا کرمی چم گردانی فرزند رمضان و آقای / خانم محمد امیرنیرومند فرزند منصور حصه هرکدام مشاعا و بالسویه نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۸۷.۹ متر مربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای محمد مهدی دهقانی لذا به موجب ماده ۴قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی اکثرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی ، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. شناسه آگهی: ۲۲۹۹۸۲۴ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۰۹	
علی اکبر مقدسی فر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر	

«صید آیفون» در هرمز

غرق شدن کشتی تأیید شده

اما ادعای محموله آیفون و عطر هنوز پشتوانه مستند ندارد

گروه اجتماعی: از سفارش گوشی به صیادان تا شوخی با عطرهای گران‌قیمت، خبر غرق شدن یک کشتی در تنگه هرمز برای بخشی از کاربران ایرانی به ماجرای «صید آیفون» تبدیل شده است. تصاویر قایق‌ها و کانتینرهای شناور، همراه با ادعای ریختن گوشی و عطر در دریا، در شبکه‌های اجتماعی چرخیده و به تیت‌ر رسانه‌ها رسیده‌اند. بررسی اطلاعاتی‌های دریایی و گزارش‌های مربوط به کشتی‌نشان می‌دهد، غرق شدن شناور واقعیت دارد؛ اما روایت محموله لوکس از مسیر دیگری، یعنی پست‌ها و تصاویر مجازی، وارد خبر شده است. سازمان دریانوردی سنگاپور، غرق شدن «جی‌اف‌اس پراید» و نجات هر ۲۱ خدمه آن را تأیید کرده است. در این اطلاعیه نامی از آیفون، عطر یا برند کالاهای داخل کانتینرها نیست. شرکت رسیدگی به خسارت‌های دریایی «دبلیو کی ویستر» نیز شمار تقریبی کانتینرها را گزارش کرده اما فهرستی از کالاها ارائه نکرده است.

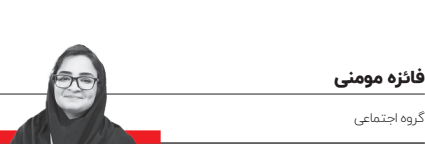
از خبر انفجار تا سفارش گوشی

نخستین اطلاعیه نیروی دریایی سپاه در روز چهارشنبه ۲۲ مهر درباره غرق شدن یک کشتی کانتینربر در آب‌های جنوبی تنگه هرمز بود. در آن از حمل بیش از ۲۵۰۰ کانتینر و خطر برخورد شناورهای محلی با کانتینرهای روی آب صحبت شده بود؛ نوع کالاها در اطلاعیه نیامده

جامعه

مریم، تنها قربانی مهر نبود

بررسی پنج پرونده، از قتل دست کم ۹ زن و دختر در آغاز نیمه‌دوم سال حکایت دارد



گروه اجتماعی

مریم یارمحمدی، ۲۸ساله و مادر دو کودک، حدود دو ماه بود که همراه همسرش به قشم نقل‌مکان کرده بود. زندگی او بامداد ۱۳ مهر در همان خانه پایان یافت؛ برادرش متهم است که با چاقو به او حمله کرده است. پلیس از بازداشت متهم و اعتراف او خبر داده و رسانه‌ها گزارش کرده‌اند همسر مریم پیش از حمله، کودکان را از خانه بیرون برده بود. آنچه این قتل را بیشتر خبرساز کرد، گزارش واکنش شماری از نزدیکان بود: تجمع مقابل بیمارستان، اعلام نداشتن شکایت و اعتراض به بازداشت متهم. نام مریم در روزهایی به خبرها راه یافت که در تهران، کرمانشاه و دهلران نیز زنان دیگری به دست اعضای خانواده یا فردی که پیش‌تر با او رابطه داشتند، کشته شدند.

روایت قتل در دهگان

سیدعلی نصرتی، فرمانده انتظامی قشم، اعلام کرده‌مأموران پس از اطلاع از درگیری در یکی از محلات دهگان، تحقیقات را آغاز کردند. زن مجروح به بیمارستان منتقل شد اما بر اثر شدت جراحات جان باخت. متهم به قتل در یکی از روستاهای شهرستان پنهان شده بود و کمتر از ۶ ساعت بعد با هماهنگی قضایی بازداشت شد. به گفته فرمانده انتظامی، برادر مقتول در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرده و پس از تشکیل پرونده، روانه زندان شده است. پلیس، اختلافات خانوادگی را علت درگیری عنوان کرده است. رسانه‌ها جزئیات بیشتری درباره خانواده منتشر کرده‌اند. مریم اهل روستای کرگان از توابع دلفان بود و یک دختر و یک پسر داشت. پارسینه، به نقل از روزیاتو، گزارش داده است همسر او با برادرش هماهنگ کرده و پیش از حمله، فرزندان را از خانه خارج کرده بود. همین گزارش از اعتراض برخی بستگان به بازداشت و اعلام رضایت آنان خبر می‌دهد.

پنج پرونده، ۹ قربانی زن

نیمه دوم سال هنوز در ماه نخست است. بررسی پنج پرونده مشخص که خبرشان تا ۲۱ مهر در رسانه‌ها منتشر شده، قتل دست کم ۹ زن و دختر را نشان می‌دهد: مریم در قشم، یک مادر و دختر در کرمانشاه، زنی سالخورده در مجیدیه، زنی جوان در پاساژ سعدی و یک مادر و سه دختر در دهلران. این تعداد حاصل همین پنج پرونده است و آمار کل کشور محسوب نمی‌شود. در کرمانشاه تیراندازی در محله پردیس به مرگ فاطمه لطفی ۴۶ ساله و دختر

است. روز بعد، روایت تازه‌ای در رسانه‌ها منتشر شد: کانتینرها حامل آیفون و عطرهای لوکس بوده‌اند و مردم محلی برای جمع‌آوری آنها به دریا رفته‌اند. برخی خبرها این ادعا را در تیت‌ر برجسته کردند، درحالی که در متن خود نوشتند، محتویات محموله تأیید نشده است. در گزارش تابناک، تصاویر به افرادی نسبت داده شده که با قایق به سمت کانتینرها می‌روند. گزارش دیگری از ویدئوی فردی نوشته که صیاد معرفی شده و از مخاطبان خواسته سفارش عطر و گوشی خود را در بخش نظرات ثبت کنند. کاربران نیز با همین روایت همراه شدند؛ از صیادان خواستند، دست‌خالی برنگردند و سفارش‌هایشان را به شوخی مطرح کردند. در ادامه حتی عنوان «سفر خانوادگی به تنگه هرمز برای صید آیفون ۱۸» برای بازنشر یک ویدئو به‌کار رفت.

تصاویر چه چیزی را ثابت می‌کند؟

عکس‌ها و فیلم‌های کانتینرهای شناور با گزارش غرق شدن کشتی همراه شده‌اند اما تأیید حادثه به‌تنهایی اصالت تمام تصاویری که بعداً به آن نسبت داده شده‌اند را ثابت نمی‌کند. روزنامه «نشنال» در گزارش ۱۵ اکتبر میان تصاویر حادثه و کلیپ‌های منتشرش به جمع‌آوری کالای لوکس تفاوت گذاشته است. این روزنامه نوشته زمان و محل فیلم‌برداری کلیپ‌ها و ارتباط همه آنها با «جی‌اف‌اس پراید» احراز



نشده است. نشنال همچنین از گردش تصاویر ساخته شده با هوش مصنوعی پیرامون ماجرای هزاران آیفون روی آب خبر داده است. این گزارش به‌معنای جعلی بودن تمام تصاویر حادثه نیست؛ مشخصاً نشان می‌دهد بخشی از تصاویر همراه این ادعا، سند واقعی محموله کشتی محسوب نمی‌شوند. روایت آیفون و عطر به رسانه‌های ایتالیایی و قبرسی هم رسیده است. در یکی از گزارش‌های قبرسی، پستی از حساب «upuknews» در شبکه ایکس، به تاریخ ۱۵ اکتبر، بازنشر شده که همین ادعا را مطرح می‌کند. منبع این بخش نیز پست مجازی است نه اعلام شرکت حمل‌ونقل یا صاحب کالا.

۲۵۰۰ کانتینر، نه ۲۵۰۰ کانتینر آیفون

عدد ۲۵۰۰ در اطلاعیه سپاه به تعداد کانتینرهای کشتی مربوط

کارکنان را پوشش نمی‌دهد. زارا امجدیان، فعال حوزه زنان نیز در همین گزارش توضیح داده که وابستگی اقتصادی، داشتن فرزند و تهدید نزدیکان، ترک محیط خشونت را دشوار می‌کند. او دسترسی به حمایت حقوقی و روانی را در کنار سرپناه ضروری می‌داند.

سرانجام یک لایحه

لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت با وجود تصویب کلیات در مجلس و چندین مرحله بازنویسی هنوز به قانون تبدیل نشده است. تدوین آن از سال ۱۳۹۰ آغاز شد و پس از بررسی در دولت و قوه قضائیه، متن با عنوان «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در ۲۴ دی ۱۳۹۹ به مجلس فرستاده شد. پیشگیری از خشونت، حمایت از زنان آسیب‌دیده، تعیین تکلیف دستگاه‌های مسئول و پیش‌بینی ضمانت‌های کیفری از اهداف این متن بود. مجلس در ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ با ۱۹۰ رأی موافق، کلیات نسخه‌ای با عنوان «پیشگیری از آسیب‌دیدی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» را تصویب کرد. اما تصویب کلیات، پایان بررسی نبود و رسیدگی به مواد و اصلاحات ادامه یافت. فاطمه قاسم‌پور، رئیس وقت فراکسیون زنان هنگام بررسی کلیات گفته بود، نمایندگان بر سه محور پیشگیری، حمایت و برخورد کیفری تأکید کرده‌اند و کاهش مفاد جرم‌انگاری و تقویت رویکرد ترمیمی نیز در دستورکار بوده است. در ادامه، تغییرات متن به اختلاف میان دولت و مجلس انجامید. زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، اعلام کرد تغییرات ماهوی، کارکرد مورد انتظار دولت را تضعیف کرده و به همین دلیل تصمیم به درخواست استرداد گرفته شده است. او تأکید کرد، حذف بخش‌های مربوط به جرم‌انگاری و حمایت قضایی، لایحه را از هدف اصلی خود دور می‌کند. بهروزآذر همچنین توضیح داد که دولت برای ادامه مذاکرات و جلوگیری از این تغییرات، روند استرداد را کند کرده است. اختلاف بر سر محتوای لایحه به چگونگی حمایت پیش از وقوع آسیب شدید نیز مربوط بوده است. بهروزآذر در توضیح بندهای پیشنهادی دولت از شناسایی زنان خشونت‌دیده در مراکز درمانی و کمک مددکاران سخن گفته بود؛ زنانی که ممکن است به دلیل ترس، علت واقعی جراحات خود را بیان نکنند. در متن ارسالی دولت نیز خدمات مشاوره، معاضدت حقوقی، درمان، توان‌بخشی و توانمندسازی در کنار مجازات مرتکب پیش‌بینی شده بود. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ۲۰ خرداد ۱۴۰۵ گفت، لایحه در مسیر استرداد است. با این حال علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، در تازه‌ترین اظهارات منتشرشده، اعلام کرده که دولت لایحه را پس نگرفته و متن پس از بررسی در کمیسیون در نوبت صحن علنی قرار دارد. هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان نیز ۱۴ شهریور گفته بود، لایحه هنوز به تصویب نهایی مجلس نرسیده و برای بررسی به شورا ارسال نشده است. به این ترتیب حمایت‌های تازه‌ای که قرار بود با این لایحه ایجاد شود همچنان در انتظار تکمیل روند قانون‌گذاری است.

است. ویستر نیز در پرونده حادثه از حدود همین تعداد، گزارش داده است. هیچ‌کدام نگفته‌اند تمام این کانتینرها یا شمار مشخصی از آنها حامل گوشی ابل بوده‌اند. ویستر کشتی را با شماره بین‌المللی ۹۳۴۹۰۴۵ معرفی کرده و محل گزارش شده لاشه را نزدیک شبه‌جزیره مسندم عمان نوشته است. این شرکت گفته، میزان خسارت کالا و وضعیت کانتینرهای باقی‌مانده روی آب در دست بررسی است و از صاحبان محموله، خواسته برای پیگیری منافع‌شان اقدام کنند. رویترز ظرفیت شناور را ۲۸۲۴ واحد معادل کانتینر بیست‌فوتی اعلام کرده است؛ شاخصی برای ظرفیت حمل که با تعداد واقعی کانتینرهای بارگیری شده، تفاوت دارد. مدیر کشتی نیز شرکتی مستقر در امارات معرفی شده است.

آنچه درباره خود حادثه ثبت شده است

سنگاپور می‌گوید «جی‌اف‌اس پراید» در ۱۳ اکتبر، به وقت این کشور، هنگام عبور از هرمز با اصابت پرتابه ناشناس آسیب دیده، آتش گرفته سپس غرق شده است. سپاه علت را برخورد با مین در مسیری که غیرمجاز توصیف شده، اعلام کرده است. در حادثه‌ای دیگر، کشتی «جی‌اف‌اس جیزل» آسیب بدنه دیده اما به لنگرگاهی امن رسیده است. سنگاپور سلامت ۲۲ خدمه آن را نیز تأیید کرده است. برای ادعای آیفون و عطر، نتیجه بررسی روشن‌تر از تیت‌رهای پربازدید است: محموله لوکس تأیید نشده و بخشی از تصاویر مرتبط نیز ساختگی گزارش شده‌اند. فیلم سفارش گرفتن یا حضور قایق‌ها جای فهرست محموله را نمی‌گیرد. در مقابل، اطلاعیه‌ای که مستقیماً صیادان را خطاب قرار داده از آنها خواسته، مراقب برخورد با کانتینرهای شناور باشند.

تکنولوژی

رودستر پرواز کرد

رونمایی ماسک از تسلا ی تازه



ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا، شامگاه پنج‌شنبه از نسل جدید خودروی رودستر رونمایی کرد؛ خودرویی که به گفته او، با استفاده از پیشران‌های کنترلی و فناوری برگرفته از اسپیس‌ایکس، توانایی بلند شدن از زمین و اجرای حرکات نمایشی در هوا را دارد.

در این مراسم که به‌صورت زنده پخش شد، رودستر از یک رمپ بلند و منحنی بالا رفت، در وضعیت وارونه حرکت کرد و پس از جدا شدن از انتهای مسیر در هوا چرخید و روی زمین فرود آمد. ماسک پس از این نمایش در میان تشویق حاضران گفت: «خب، کار کرد». او پیش از آغاز نمایش گفته بود، حضور تماشاگران ضروری است تا بتوانند شهادت دهند آنچه دیده‌اند، محصول هوش مصنوعی نیست.

لارس موراوی، معاون مهندسی خودرو در تسلا سازوکار حرکت وارونه رودستر را به سامانه مکش فن در زیر خودرو نسبت داد. به گفته او این سامانه می‌تواند، نیرویی معادل دوبرابر شتاب گرانش ایجاد کند و خودرو را هنگام حرکت وارونه به سطح مسیر بچسباند. موراوی افزود که برای بخش دیگر نمایش از فناوری اسپیس‌ایکس استفاده شده است.

ماسک نیز توضیح داد که پیشران‌های کنترل ارتفاع و پیشران‌های اصلی نصب شده در عقب به رودستر امکان می‌دهند «اساساً مانند موشک پرواز کند». او با اشاره به قابلیت چرخش و حرکات آکروباتیک خودرو به شوخی گفت، ایمنی لزوماً اولویت طراحی آن نبوده است. در نمایش دیگری، رودستر مقابل ردیفی از خودروهای تسلا قرار گرفت و با جهش و چرخش هوایی از روی آنها عبور کرد. همچنین شتاب‌گیری آن از حالت سکون تا حدود ۹۷ کیلومتر بر ساعت در کمتر از یک ثانیه به نمایش درآمد.

براساس این گزارش، تسلا زرزو رودستر را در سه نسخه «پرفورمنس»، «تراست» و «راکت» آغاز کرده است؛ نسخه راکت تنها با دعوت‌نامه عرضه می‌شود. تسلا برد این خودرو را بیش از ۴۸۳ کیلومتر و حداکثر سرعت نسخه راکت را بالاتر از ۳۷۰ کیلومتر بر ساعت اعلام کرده است.

